

درباره روزگاری که برف یک معضل زمستانی بود و برف‌روبی، اولویت اول مشهد

وقتی برف‌روب‌ها به کمک شهر آمدند



● مسئله برف قبل از بلدیة!

از وقتی خانه‌ها در کنار هم ساخته شدند و ساختار کوچه‌ها شکل گرفت، بارش برف‌های سنگین در زمستان مسئله بوده است. مردم معمولاً دغدغه فروریختن و نم کشیدن سقف خانه‌شان را داشتند و همین باعث می‌شد خیلی زود دست به کار شوند و با یک بارو روی پشت بام بروند و برف خانه‌شان را به درون کوچه و حیاط بریزند. مسئله برف در کوچه‌ها اما به همین راحتی حل نمی‌شد. در زمان قاجار که شهر متولی خاصی نداشت، این موضوع نمود بیشتری داشت و مشکلات فراوانی را برای شهر ایجاد می‌کرد. روزنامه ادب در سال ۱۳۲۰ قمری می‌نویسد: «شهر مشهد مقدس که در این اوقات از زیادتای برف و باران و خرابی سنگ فرش کوچه‌ها و بسیاری لای ولجن و کثافات و قاذورات که از بی‌تربیتی و بی‌توجهی مردم در تمام معابر راه تردد مسدود شده، بعضی جاه‌ها مثل حوض ایستاده، عوض اینکه باید این کثافات را پاک کنند، بعضی خوش انصاف‌ها آنچه می‌توانند از برف و خاک‌روبه و سایر کثافات حتی لاشه حیوانات از خانه‌های خود به کوچه‌ها می‌ریزند».

● مأموران نظیف در حال برف‌روبی

بلدیة شهر در سال ۱۳۲۵ قمری (۱۲۸۶ خورشیدی) پایه‌گذاری می‌شود، البته همان طور که می‌دانید، این اداره تازه تأسیس پیش از اینکه بتواند تحولی در شهر ایجاد کند، با شروع استبداد صغیر در سال ۱۲۸۷ خورشیدی تعطیل می‌شود و یازده سال طول می‌کشد تا با حضور شجاع‌الایاله دوباره گشوده شود. یخبندان و انسداد راه‌ها، بازهم نخستین مسئله زمستانی شهردار این دوران است. برای همین نخستین کاری که اداره بلدیة برای جلوگیری از راه‌بندان در مسیرهای آمد و شد مردم انجام می‌دهد، انتشار یک اعلان است که به اهالی اخطار می‌کند برف بام‌های خود را در میان کوچه‌ها نریزند. مأموران نظیف شهرداری در زمستان برای باز کردن معابر به خط می‌شوند، البته در این سال‌ها هنوز سرما و یخبندان می‌تواند مشکلات جدی برای آب و نان مردم ایجاد کند. در سال‌های منتهی به سال ۱۳۰۰ خورشیدی جراید از مسدود شدن معابر و افزایش نرخ اجناس و مشکلات دیگر خبر می‌دهند. یک سال قبل این و در سال ۱۲۹۹ خورشیدی نیز چنین خبری در یکی از جراید منتشر می‌شود، «به مناسبت برودت هوا و یخبندان، آب‌ها از جریان افتاده، آسیاب‌ها گردش ننموده، آرد به حد کافی در شهر وارد نمی‌شود و قیمت نان هم ترقی کرده است. مطابق تحقیقاتی که به عمل آمد، اداره بلدیة پس از وصول این اطلاعات، درصدد چاره‌جویی برآمده و انباردارها را احضار و آن‌ها را ملزم می‌سازد که عملة به خارج شهر فرستاده و یخ‌هایی که مانع از جریان آب گشته، شکسته، در بیابان بریزند تا آب در مجرای خود روان گردد».

خلاصه آنکه وقتی بلدیة در زمان قاجار سرکار آمد، مجبور شد کارگزارانش را در زمستان به برف‌روبی بگمارد تا احتمالاً با یک بیل و پارو و شاید همراهی یک الاغ به جنگ سرما و یخ بروند و چهره کوچه‌ها را از سفیدی برف بزایند. در این زمان، چاه‌هایی را برای جمع‌آوری آب باران در کوچه‌ها حفر می‌کردند و در نزدیک زمستان، آن‌ها را تمیز می‌کردند و سنگ‌هایی را بر روی آن قرار می‌دادند تا در موقع بارش برف، آن‌ها را بردارند و برف‌های کوچه را در چاه بریزند و در آن را بگذارند.

● برای زمستان قایق‌بازایی

شاید هنوز به عمق دردهای برف زمستانی در ۱۰۰ سال پیش مشهد

سیده نعیمة زینبی| می‌گویند برف در قدیم آن قدر زیاد بوده که در میان آن تونل می‌زده‌اند و یک ماه پس از عید هم این رخت سفیدپوش، میهمان کوچه‌ها بوده است. بعضی بزرگ‌ترها هم از اهمیت سبک کردن پشت بام خانه‌ها و برف‌روبی در زمستان‌های گذشته می‌گویند و از درست کردن آدم‌برفی‌های غول‌پیکری که تا ماه‌ها در کوچه‌های شهر باقی می‌ماند اما این داستان‌ها امروز برای ما رؤیایی بیش نیست؛ سال‌هاست که در مشهد دیگر از آن زمستان‌های پر بارش خبری نیست. اهمیت برف‌روبی هم به همان میزان کم شده است. صحبت امروز ما درباره خاطرات برفی نیست. اتفاقاً امروز می‌خواهیم به سراغ دردهای برفی شهر برویم و درباره روند تغییر برف‌روبی سنتی به مکانیزه حرف بزنیم.



کمک برف‌زدایی مشهد می‌آیند. در اخبار جراید تا این تاریخ، خبری از ماشین نیست اما برف‌روبی انجام می‌شود. به نظر می‌رسد سطح کوچه‌ها با استفاده از حیوانات و گاری‌ها، نظافت می‌شده است. درباره برف‌روبی در سال ۱۳۱۵ در جراید آمده است: «چون فزونی برف در معابر و خیابان‌ها موجب زحمت عابری‌ن و وسایل نقلیه شده، طی چند روز مأمورین رفت و روب شهرداری، مشغول پاک کردن راه‌ها و نقل برف‌ها به خارج شهر شده‌اند».

● ورود ماشین به خدمات شهری

شهریور سال ۱۳۱۶ احتمالاً نخستین ماشین برای شهرداری مشهد خریداری می‌شود. این خودرو یک ماشین باری پنج‌تنی است که در آستانه پاییز و زمستان به کمک شهر می‌آید. به مرور بر تعداد نقلیه موتوری بلدیة افزوده می‌شود و جای گاری‌ها و درشکه‌ها را می‌گیرد تا کار کارگران نظافت شهر را راحت‌تر کند. مرداد سال ۱۳۳۰ در جلسه انجمن شهر مذاکراتی صورت می‌گیرد و موافقت می‌شود که ۱۰ دستگاه گاری و دو درشکه فروخته شود و به جای آن‌ها، یک دستگاه جیب و چهار دستگاه کامیون زباله‌کشی خریداری شود. دووانت کمپرسی نیز در سال ۱۳۳۷ از تهران خریده می‌شود تا برای حمل زباله و امور شهری استفاده شود. از سویی دیگر در این سال‌ها، خیابان‌ها یک به یک به بافت شهری مشهد افزوده می‌شوند و بر کار دایرة نظافت بلدیة می‌افزایند. ریختن برف در معابر همچنان ممنوع است و اشخاصی که برف‌های پشت بام و دکان خود را به کوچه و معابر بریزند، متخلف شناخته شده، دستگیری می‌شوند. در همین سال‌هاست که رد چرخ کامیون‌ها برای برف‌روبی دیده می‌شود. در یکی از اخبار این سال‌ها در روزنامه آفتاب شرق آمده است: «برای تسهیل رفت و آمد، وسایل نقلیه مأموران شهرداری با کمک مأموران اداره راه، مشغول برف‌روبی خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌باشند و کامیون‌های شهرداری، مشغول جمع‌آوری برف در کوچه‌ها شدند».

● خرید قاطر و اسب برای خدمات شهری

البته هرچه بر عمر بلدیة افزوده می‌شود، بر دایرة خدمات آن در زمستان نیز افزوده می‌شود. به مرور امکاناتی مانند گاری و چرخ دستی و درشکه به کمک کارگران می‌آیند تا نظافت شهر را راحت‌تر کنند. وسایلی که در تابستان برای حمل زباله به کار برده می‌شوند، در زمستان برف و یخ کوچه‌ها را جابه‌جایی می‌کنند. ردپای این خریدها در سال‌های ابتدایی قرن چهاردهم دیده می‌شود، به طور مثال در فروردین سال ۱۳۱۴ پنجاه چرخ دستی برای حمل زباله و یانزده رأس قاطر برای بلدیة می‌خرند. در تیرماه این سال نیز شش رأس اسب برای بستن به گاری‌های نقلیه و سه دستگاه گاری به ناوگان خدمات شهری افزوده می‌شود. این امکانات شهری در زمستان به

● نخستین ماشین برف‌روب به شهر می‌آید

هرچه بر گستردگی مشهد و تعداد خودروهای حاضر در خیابان‌های آن افزوده می‌شود، اهمیت برف‌روبی در این شهر هم افزایش می‌یابد. دهه ۴۵ خورشیدی، خیابان‌های شهر با سرعت هرچه بیشتر به بیرون از آن می‌خزیدند و خانه‌ها یکی یکی از دل خاک می‌روییدند تا شهر شکل تازه‌ای به خود بگیرد. در این سال‌ها، برف با آسمان مشهد آشتی بود و نزولات آسمانی، رخت سفید بر تن شهر می‌پوشاندند. همه این ماجرا باعث می‌شد خدمات شهری در زمستان، اهمیت بیشتری پیدا کند. در سال ۴۳ سخنگوی شهرداری اظهار می‌کند: «۴ هزار کامیون برف و یخ به وسیله مأموران برزن‌های هشت‌گانه شهرداری از داخل شهر به خارج آن حمل و تخلیه شده است». سال ۴۵ نیز روزنامه آفتاب شرق، گزارشی به چاپ می‌رسد که از برف پنجاه سانتی در اغلب کوچه‌ها خبر می‌دهد. در این گزارش آمده است: «در این روزهای برفی، اغلب کوچه‌ها را حدود پنجاه سانتی متر برف پوشانیده، به طوری که ایاب و ذهاب عابری‌ن مشکل شده و متأسفانه اکثر منازل بدون توجه، برف‌های پشت بام‌ها را به داخل کوچه‌ها ریخته‌اند».

سال ۴۷ نیز با پیشنهاد شهرداری و تصویب استانداری خراسان، نخستین ماشین برف‌روب را برای شهر می‌خرند تا پای برف‌روب‌ها هم به شهرمان باز شود.

● دهه ۵۰، زمستان‌های سخت و پر برف

شاید تصور شود با ورود برف‌روب، مشکلات خیابان‌های زمستانی در گذشته حل شد اما نگاهی به اخبار چیز دیگری می‌گوید. در بهمن سال ۴۷ بارش برف آن قدر سنگین است که شهرداری با ماشین برف‌روب، بولدوزر و یک دستگاه گریدر ۶ خراسان و ششصد رفتگر به همراه پانصد کارگر و دویست سرباز، برف‌ها را می‌روید و خیابان‌ها را تمیز می‌کند. همچنین یازده دستگاه از جیب‌های سپاه بهداشت در خیابان‌ها به حرکت درآمده، مردم را به محل‌های کار و منزل آنان می‌رسانند. در دی سال ۴۸ نیز بارش برف سنگین ۴۸ ساعت ادامه می‌یابد و همه تجهیزات شهرداری از جمله گریدر، بولدوزر و ماشین برف‌روب و تمام کارکنان شهرداری به اضافه پانصد کارگر برای باز کردن معابر، بسیج می‌شوند. سال ۴۹ برف سنگین، مشهد را سفیدپوش می‌کند و کامیون‌ها و خودروها در شهر راه می‌افتند و مسیرهای اصلی آن را از وجود برف پاک می‌کنند. اما قصه سال ۵۰ متفاوت‌تر از دیگر سال‌هاست. در این سال، برفی در مشهد می‌آید که رکورد گینس را می‌شکند و شهر را چند روز به حالت تعطیل درمی‌آورد. طبق اظهار سخنگوی شهرداری مشهد، در این سال بیست دستگاه گریدر، بولدوزر، تراکتور و سی دستگاه کمپرسی شهرداری به همراه چهل دستگاه کامیون از بیمانکاران با کمک مأموران برزن‌های ۱۰ گانه و فضای سبز و دویست کارگر، مشغول پاک کردن برف خیابان‌ها و پاک‌سازی معابر عمومی شهر می‌شوند. یک ماه بعد همچنان برف‌روبی ادامه دارد و طبق آمار، ۸ هزار و ۶۱۰ کامیون برف از مشهد بیرون می‌رود تا این شهر دوباره به روال سابق خود بازگردد. شاید این بزرگ‌ترین تجربه مشهد در مقابله با برف‌های سنگین بوده است و بارش برف سنگین سال‌های ۵۵ و ۵۶ و ۵۸ و ۶۰ و ۶۲ که در مطبوعات انعکاس یافته است، در برابر این تجربه ناچیز باشد.



ورودی عمارت گمرک در میدان ارگ مشهد - هانری رنه دالمانی - ۱۹۰۰ میلادی

مطالعه کرد. در «عکس‌نوشت» امروز، دو تصویر تهیه‌شده توسط دالمانی را می‌بینید که مر بوطه به سال ۱۲۷۷ خورشیدی است. در تصویر نخست، می‌توانید شکل و شمایل یکی از دروازه‌های شهر مشهد را - که طبق اشاره مهدی سیدی در حاشیة کتاب «نفوس ارض اقدس»، به دلیل انبوه درختان پشت دیوارهای شهر، احتمالاً دروازه بالاخیابان است - مشاهده کنید و در تصویر دوم، نمایی از دروازه ورودی عمارت گمرک در میدان ارگ مشهد پیدا است. شکل و طرح دو دروازه، کاملاً شبیه هم است و سندی بر صحت گزارش مک‌گرگور و دیگر جهانگردان در باره هماهنگی الگوی معماری در مشهد قدیم محسوب می‌شود. امیدوارم از دیدن این دو تصویر بکر و زیذ لذت ببرید.

می‌دهد که شاید تا به حال به آن توجه نشده باشد. حدود ۱۲۵ سال قبل، یعنی حوالی سال ۱۲۷۷ خورشیدی، زمانی که هانری رنه دالمانی، جهانگرد و عقیقه‌شناس فرانسوی، به مشهد سفر کرد، این هارمونی و هماهنگی همچنان حفظ شده بود و در عکس‌های استثنایی دالمانی از مشهد، بروز و ظهور کاملی داشت. در میان همه تصاویری که از مشهد عصر قاجار به دست ما رسیده است، تصاویر دالمانی که در سفرنامه‌وی منتشر شد، جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد. او تنها به ثبت تصویر از سازه‌های اصلی شهر نپرداخته، بلکه به مردم عادی و ساختمان‌های مسکونی و اداری هم توجه کرده است، به همین دلیل در عکس‌های باقی‌مانده از دالمانی، می‌شود سیمای مشهد عصر قاجار را بدون روتوش دید و در باره‌اش



دروازه مشهد - احتمالاً بالاخیابان - هانری رنه دالمانی - ۱۹۰۰ میلادی

شرح سیمای ظاهری شهر مشهد پرداخت. در نوشته خود به شش دروازه اصلی شهر اشاره می‌کند و می‌گوید «دیوار دور شهر نیز، رنگ و شکلی شبیه دیوارهای خانه‌ها داشت». او به دلیل سلیقه خاص و نگاه استعماری‌اش، چندان از این هم‌رنگی به نیکی یاد نمی‌کند، اما کسانی که اهل هنر و معماری باشند، می‌توانند از مشهد ۱۵۰ سال قبل، تصویر یک شهر را با نمایی به تمامی کاهگلی و یک هارمونی فوق‌العاده از شکل و رنگ داشته باشند. بر اساس گزارش مک‌گرگور، حتی دروازه‌های شهر هم به یک شکل ساخته شده بود و درهای ورودی منازل نیز، شکل و شمایلی شبیه همین دروازه‌ها داشت. این هماهنگی و نظم یا به قول امروزی‌ها، هارمونی در ساخت و ساز شهری، تصویری زیبا و دیدنی از مشهد قدیم نشان

مرضیه ترابی| پیش از آنکه ساختارها و بافت شهری در مشهد تغییر کند و به تلفیقی نا همگون از الگوی جدید و قدیم تبدیل شود، شهر مشهد شاخص‌های شهرسازی خودش را داشت و معماران این شهر برای احداث بناها، تقریباً از یک الگوی واحد پیروی می‌کردند. البته بسته به بزرگ یا کوچک بودن خانه و عمارت و نیز، پولدار یا بی‌پولی بودن صاحب‌بنا. در ایجاد سازه و تزئینات آن، تغییراتی به وجود می‌آمد، اما در اصالت کار تغییر چندانی دیده نمی‌شد. این مسئله توجه جهانگردانی را که در قرن‌های گذشته به مشهد سفر کردند، به خود جلب کرده بود، به عنوان نمونه، کلنل «مک‌گرگور» انگلیسی که در سال ۱۲۵۴ خورشیدی و طی یک مأموریت سیاسی اطلاعاتی به مشهد سفر کرد و بعد‌ها در سفرنامه خود به

فوتو مشهد